

نگران هواداران گریان گلزار شویم؟

بررسی مفهوم هواداری در نوجوانی به بهانه وایرال شدن مصاحبه‌ای ویدئویی با چند نوجوان

که طرفدار «رضا گلزار» معرفی شده‌اند



آلهه توانا | روزنامه‌نگار



در هفته‌های گذشته ویدئویی ساخت یک شبکه اینترنتی در فضای مجازی، بارها دست‌به‌دست شد که تحلیل‌ها و نظرات زیادی برانگیخت. چند نوجوان ظاهراً هوادار رضا گلزار دورهم نشسته‌اند و مجری ازشان می‌خواهد: «دنیای بدون محمدرضا گلزار رو تصور کنید». بچه‌ها یکی یکی می‌زنند زیر گریه و جواب‌ها چنین است: «تصورش خیلی سخته. ایشون نباشن، من هم نیستم!» «طاقت فرساست، دووم نمیاریم.» «خیلی دنیای من زخرفی برای ما گلزار یا همیشه». این ویدئو را احتمالاً دیده‌اید و به نقل‌قول‌های بیشتر نیازی نیست. نظرات درباره‌اش را هم حتما شنیده‌اید؛ سبیلی از اظهار تأسف و ابراز تمسخر حواله مصاحبه‌شونده‌ها و حتی کل دهه هشتادی‌ها شد که چه نسل بی‌الگو، بی‌دغدغه و سطحی‌نگری است این نسل جدید! آیا انگشت اتهام را باید به سمت این بچه‌ها نشانده‌رویم؟ اگر فرض کنیم ویدئوی مذکور ساختگی نیست و این بچه‌ها را جلوی دوربین نشانده‌اند تا اسم آقای سلبریتی دور از صحنه‌ها را دوباره سر زبان‌ها ببندازند، باید بپرسیم چه اتفاقی، مسئله طبیعی هواداری در دوران نوجوانی را به معضلی قابل تأمل تبدیل کرده‌است؟ چرا آشک ریختن بچه‌ها جلوی دوربین، ما را نگران کرده‌است؟

❖ اقتضائات نوجوانی را فراموش نکنیم

بخش قابل توجهی از واکنش‌های تندوتیز به احساساتی‌گری «گلزاری‌ها» از شناختن یا کم‌شناختن اقتضائات نوجوانی مایه می‌گیرد. ما نوجوانی را با همه هیجانات اغراق‌شده‌اش پشت‌سر گذاشته‌ایم و فراموش کرده‌ایم که زمانی دیوار اتاق‌مان پر بود از پوسترهای شخصیت محبوب دست‌نیافتنی‌مان. امروز که از نوجوانی فاصله گرفته‌ایم، با خنده از دورانی یاد می‌کنیم که عکس عشق غیرممکن‌مان را ایواشکی لای کتاب درسی می‌گذاشتیم و اسمش را روی نیمکت مدرسه حک می‌کردیم. در هر دور‌های، بنا به شرایط جامعه، کسانی سوژه هواداری پر شور نوجوان‌ها هستند. زمانی، شخصیت‌های تأثیرگذار سیاسی و فرهنگی، الگوو محبوب بودند؛ در دوره‌ای بچه‌ها بیشتر از هر کسی، حرف‌فعالان ارزشی و دینی را می‌خواندند، در روزگاری فوتبالیست‌ها خیلی گل کردند و ستاره‌های موسیقی و سینما هم گاهی



❖ شرایط مساعد هواداری را نادیده نگیریم

فرض کنیم تا این جا با هم به توافق رسیدیم و پذیرفتیم که هواداری امروز بستر مہیاتری دارد. نوجوان دبروز، سوژه محبوبش را جز در کتاب و مجله و تلویزیون نمی‌دید اما نوجوان‌ها حال‌امی‌توانند با افتخار اعلام کنند که شخصیت موردعلاقه‌شان آن‌ها را تأیید کرده‌و شاهدش هم «لایک‌می است که پای بست‌شان زده‌است. با این حال عجیب نیست که شور و شدت هوادارانه بیشتری از نسل جدید شاهد باشیم اما مفهوم هواداری نباید تغییر کرده باشد؛ یعنی توقع داریم این هواداری، عملکرد تحصیلی و اجتماعی نوجوان را مختل نکندو علاقه‌شدید به فرد دست‌نیافتنی و تقلیداز او، بعد از دوره نوجوانی فروکش کند. پس اگر نوجوان‌های حاضر در آن ویدئو، همه‌ز ندگی‌شان راوقف هواداری از فرد محبوب نمی‌کنند؛ اگر خانواده و اطرافیان‌شان اقتضائات سنی آن‌ها را در کم‌می‌کنند و به جای سرکوب و سرزنش، سعی در همراهی‌دارند تا این روزها به‌طور طبیعی سپری شوند، به‌صرف چند قطره اشک ریختن و به‌زبان آوردن یک‌سری جمله احساسات‌زده، نمی‌توانیم نسخه‌آن‌ها

یا کل نسل جدید را بیچیم و برای‌شان افسوس بخوریم. به‌ویژه به این دلیل که این بچه‌ها در موقعیتی سودار قرار گرفته‌اند؛ سوالاتی که تا پیش از «تصور دنیای بدون گلزار» پرسیده‌م می‌شود، کاملاً در مسیر تحریک‌از احساسات‌شان است. به‌علاوه طبیعی است که آن‌ها بخواهند در حضور هواداران دیگر و جلوی دوربین، تصویری بهتر از خودشان نشان بدهند؛ «بهتر» این جایی مشتاق‌تر! کسی نمی‌داند همین سوال اگر در شرایط عادی از این بچه‌ها پرسیده‌می‌شد، چه پاسخی دریافت

می‌کرد. حال‌امی‌رسیم به دغدغه کسانی که در واکنش به این ویدئو، نه عمل هواداری بلکه سوژه‌محبوب را زیر سوال برند؛ چرا گلزار؟

❖ شرایط اجتماعی را کمرنگ نکنیم نسل جدید با الگو قرار دادن برخی سلبریتی‌هایی که شایستگی الگو بودن را ندارند، در مسیر ابتذل افتاده‌است؟ هواداری از کسانی که جز شهرت با‌آوردده، زیبایی ظاهری و ثروت چیزی ندارند، نشانه سطحی‌نگر بودن است؟ مقایسه‌درستی است اگر بگوییم بخشی از نوجوان‌ها زمانی شیفته سواد، منش و سلوک خاص و دستاوردهای ورزشی، هنری و علمی قابل اعتنای افرادی شدند و حالا برای مشخصه‌های ظاهری سرودست می‌شکنند؟ اگر به سوالات بالا جواب مثبت بدهیم، شرایط جامعه را نادیده گرفته‌ایم. الگوها در خلأ شکل نمی‌گیرند. درست است که عده‌ای، سوژه‌های محبوب شخصی دارند اما در دوره‌های غالباً چند شخصیت‌معین، پرنگ می‌شوند و گروه‌های هواداری پیرامون آن‌ها شکل می‌گیرد. ترکیبی از شرایط اجتماعی و رفتار تصمیم‌گیران جامعه، تعیین می‌کند که چه کسانی توی چشم بیایند. وقتی باب بحث و گفت‌وگو باز باشد، شخصیت‌های فرهیختگانی که با اظهارات‌شان می‌توانند راهنمای پیدا کردن مسیر ارزش‌ها باشند، فرصت ابراز وجود و الگو بخشی پیدا می‌کنند. وقتی فضای آزاد برای قرار گرفتن در مسیر دستاوردهای علمی و ورزشی و هنری فراهم باشد و جامعه به موقعیت‌بها بدهد، موفق‌ها محبوب می‌شوند. البته موقعیت‌های تاریخی و سیاسی استثنایی مثل جنگ، انقلاب و نقاط عطفی مشابه، می‌توانند الگو‌هایی متفاوت با این روند بسازند اما به‌هر حال نوجوان‌ها طبق سلیقه شخصی و بدون تأثیر گرفتن از شرایط، کسانی را به‌عنوان الگومی‌پذیرند. در واقع اگر سرزنشی هم‌روا باشد، شایسته کسانی است که سلبریتی‌ها را در جایگاه مرجعیت نشانند. جامعه امروز ما ز پروراندن سلبریتی‌ها نفع می‌برد؛ آن‌ها مهره‌های مومی قابل انعطافی هستند که می‌شود به شکل دلخواه در شان آورد و از شان الگو‌های بی‌خطر و البته بی‌خاصیتی ساخت و می‌شود در صورت لزوم به راحتی از صحنه بیرون‌شان کرد. حالا اگر یک‌بار دیگر پای حرف‌ان هواداران گریان بنشینیم، به حال‌شان اشک خواهیم ریخت؟



❖ به شوهرتان درباره نیازتان به حقوق‌تان بگویید

مذاکره باید بر اساس یک رویکرد برنده–برنده باشد تا هر دو سود ببرند و به انجام آن متعهد شوند؛ بنابراین در گفت‌وگو با شوهرتان بر فواید خرج حقوق‌تان در کمک به خریداری جهیزیه بهتر برای زندگی مشترک‌تان تأکید کنید یا توجه همسرتان را به طولانی شدن دوران عقدتان در صورت نبود کمک به خریداری جهیزیه به علت ناقص بودن آن، معطوف کنید.

❖ افکار و احساسات‌تان را با ضمیر «من» بیان کنید

برای مثال به شوهرتان بگویید: «من نگران تهیه جهیزیه‌ام هستم». همچنین به جای زیر سوال بردن شخصیت فرد، بر رفتار خاصی تأکید کنید. مثلاً نگویید «تو بی ملاحظه‌ای»، بلکه

بگویید: «انتظار دارم که نگرانی مرا در این خصوص درک کنی». بهترین زمان برای ابراز انتظار انتان، بلافاصله پس از رخ دادن رفتار نادرست اوست، یعنی به محض این که شروع به برنامه‌ریزی برای حقوق‌تان کرد یا سر صحبت را در این باره باز کرد. وقتی به همسرتان می‌گویید از این رفتار خوستان نمی‌آید لازم است، مشخص کنید که چه رفتاری را می‌پسندید.

پس آن‌چه را که از وی انتظار دارید به روشنی بازگو کنید. استفاده از کلمات «هرگز» و «همیشه» به دلیل این که فرد را وارد مرحله دفاعی می‌کند(که پیامد آن گوش ندادن است)، ممنوع است؛ بنابراین همواره رویکردی فعال در رویارویی با مسائل اتخاذ کنید و آگاه باشید تلاشی که برای حل یک مسئله انجام می‌دهید به اندازه نتیجه آن مهم است.

قرار و مدار

روز گردگیری وسایل خانه

اگر این روزها که بعضی شهرهای کشور،مومن باتوفان گرد و خاک مواجه شدن، پنمره‌های فونه‌تون رو باز گذاشته بودن، متما روی یک سری از وسایل فونه‌تون گرد و خاک اساسی نشسته. امروز یک وقتی بذارین واین وسایل رو گردگیری کنین

ما و شما

راه‌ارتباطی با زندگی سلام: پیامک ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ و تلگرام

❖ آفرین به این بچه‌هیئت‌ها که در صفحه‌اول زندگی سلام با آن‌ها گفت‌وگو کردین و انگار دنبال بهانه‌اند تا به‌مظلومان خدمت کنند. خداوند به آن‌ها توفیق برای خدمت بیشتر و سلامتی بدهد.

❖ توصیه‌های چاپ‌شده در مطلب واکسن نزن‌ها برای مجاب کردن این افراد، خوب بود به شرطی که آن آدم‌ها منطقی باشند و حرف گوش بدهند.

❖ دریغ از یک تبریک خشک و خالی در زندگی‌سلام به مناسبت پیروزی بانوان فوتبالیست ایران. شاید هم ترس از همسایه‌عزیزمان طالبان است که این مهم میسر نشد. ❖ از این که در صفحه سالمندان، مطالب را بزرگ‌تر چاپ می‌کنین تا خواندنش برای ما راحت‌تر باشد، از شما ممنونم. موفق باشید.

❖ درباره مطلب «موک‌های اربعین در مرز افغانستان»، اگر ربا نباشد، من با شمار‌ای که در مطلب چاپ‌شده بود تماس گرفتم و در حذباعت به این پوشش کمک کردم. در کار خیر، حاجت هیچ استخرانه نیست. ❖ من قدیم برای خانمم یادداشت عاشقانه می‌گذاشتم، چندسالی بود که این کار را نکرده بود. وقتی «نامه‌عاشقانه به همسر، چرا و چگونه؟» را در صفحه خانواده دیدم، دوباره آن را انجام دادم و خانمم خیلی سورپرایز شد.

❖ قدیم صفحه‌ای در زندگی سلام برای ارسال عکس‌ها داشتید که الان دیگر نیست. من تمایل دارم عکس برای‌تان ارسال کنم، چه کنم؟ ممنون

دردسرهای داشتن بیش از ۷ ساعت وقت آزاد در روز

فرنیس یاقوتی مترجم

منبع: dailymail.co.uk

از دنیای روان‌شناسی

فراغت بیشتری داشته باشیم اما باید بدانیم داشتن وقت آزاد بیش از اندازه، اصلاً خوب نیست و ممکن است باعث به خطر افتادن سلامت روح و روان ما شود. بر اساس تحقیقات جدید میزان رضایت و خوشحالی افراد وقتی بیش از پنج ساعت در روز وقت آزاد دارند کاهش می‌یابد. به گزارش روزنامه دیلی میل، داشتن وقت آزاد در روز باعث می‌شود فرد احساس تندرستی بیشتری داشته باشد اما اگر این وقت آزاد بیش از پنج ساعت در روز باشد مشکلات متعددی را برای فرد به وجود می‌آورد.

❖ نحوه انجام این پژوهش

محققان انجمن روان‌شناسی آمریکا اطلاعات مربوط به ۲۱۷۳۶ فرد آمریکایی را در سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ بررسی کردند. از این افراد خواسته شد فعالیت‌های ۲۴ ساعت خود را با جزئیات و همچنین احساس خود را طی روز گزارش دهند. نتیجه بسیار تأمل برانگیز بود. پس از دو ساعت وقت آزاد احساس سلامتی و رضایت و شادی در افراد افزایش می‌یابد اما پس از پنج ساعت وقت آزاد، شرایط تغییر معناداری می‌کند.

❖ نتایج این پژوهش

افراد اگر روزانه بیش از هفت ساعت وقت آزاد داشته باشند، کمتر خوشحال و راضی هستند. تحقیقات محققان انجمن روان‌شناسی آمریکا که به‌تازگی نتایج آن منتشر شده، نشان داد پس از دو ساعت زمان آزاد، احساس سلامتی و رضایت در افراد افزایش می‌یابد اما پس از پنج ساعت این احساسات در افراد روندی کاهشی را تجربه خواهد کرد. ماریسا شریف نویسنده اصلی این تحقیق بیان می‌کند اغلب افراد از شلوغی روزهای‌شان شکایت می‌کنند و دوست دارند وقت آزاد بیشتری داشته باشند اما در این جا باید بگوییم داشتن وقت آزاد بیشتر لزوماً به معنای خوشحالی و رضایت بیشتر نیست. از سوی دیگر تحقیقات نشان می‌دهد نداشتن وقت آزاد کافی باعث به وجود آمدن احساس استرس در فرد می‌شود. در این بین، اگر چه نداشتن وقت آزاد همیشه بد است اما داشتن وقت آزاد هم لزوماً خوب نیست.



تازه عقد کردم، تقریباً ۷ ماه پیش. من ۲۴ ساله‌ام و در یک شرکت خصوصی کار می‌کنم. به محض این که هر ماه حقوقم واریز می‌شود، شوهرم روی آن برنامه‌ریزی می‌کند. راستش من با حقوقم، دنبال تکمیل جهیزیه‌ام هستم اما هر ماه چشم شوهرم دنبال چندرغاز حقوق من است. چه کنم؟

فاطمه شبیک | روان‌شناس عمومی از دانشگاه تربیت‌مدرس تهران



مخاطب گرامی، کاش می‌دانستم که آیا شوهرتان شاغل است یا نه؟ خبر دارد که شما برای خرید جهیزیه به حقوق‌تان نیاز دارید و باز هم روی آن برنامه‌ریزی می‌کنید یا تا به حال چیزی به‌او در این باره نگفتید؟ آیا شوهرتان نمی‌داند یا



مهسا کسنوی مترجم

منبع: نیویورکر

اگر به زندگی زنان از صدها سال پیش تا به امروز در سراسر جهان دقت و سبک زندگی آن‌ها را بررسی کنید، متوجه نوع زندگی متفاوت بعضی از آن‌ها در نقاط دور افتاده دنیا خواهید شد. در جزیره‌ای دور افتاده و آشفته‌شانی به نام ججو در کره جنوبی، گروهی از زنان زندگی می‌کنند که به آن‌ها هینوها (haenyeo) به معنی زنان دریا می‌گویند. این زنان در حقیقت شغل‌شان جمع‌آوری غذاهای دریایی و جلبک از دریاست.

❖ غواصی بدون وسایل تنفسی

شاید تا این جابرایتان اوضاع این زنان عجیب و غیر معمول به نظر نرسد اما باید بگویم این زنان بدون استفاده از هیچ‌گونه وسایل تنفسی به عمق دریا می‌روند و غواصی می‌کنند و موجودات دریایی را با دست صید می‌کنند. یک غواص معمولی در نهایت حدود دو دقیقه و تا عمق ده متری می‌تواند زیر

آب بماند اما زنان

دریا با استفاده از ماسک‌های سنتی غواصی و چراغ‌های قدیمی که روی سرشان است، باوزنه‌های سربی که به کمر می‌بندند تا از غرق شدن‌شان جلوگیری کند به اعماق اقیانوس می‌روند. یک دستگاه شناور گرد به



❖ روایت خواندنی یک

عکاس از شغل این زنان

یک عکاس به نام «هیونگ اس کیم» بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ مرتباً به ججو می‌رفت تا از زنان دریا عکس بگیرد. کیم درباره این پروژه عکاسی‌اش می‌گوید: «این یک روند بسیار دشوار بود. آن‌ها عادت نداشتند که عکس

شغل خاص زنان جزیره ججو



به خوبی ترکیب شده است.»

❖ شغلی که جزو میراث فرهنگی

یونسکو است

در خور ذکر است که پس از سال‌ها پیگیری، بالاخره سال گذشته با درخواست فعالان فرهنگی کره جنوبی، موافقت شد و شغل سخت و عجیب زنان دریا به فهرست میراث فرهنگی یونسکو اضافه شد.